

سیده راضیه آرام  
مدرس دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد

## میراث زنان نسبی در مذاهب خمسہ

### چکیده

قوانین ارث در نظام حقوق اسلام عدالت و موقعیت اجتماعی و خانوادگی زن و مرد تنظیم شده و ملاک تنها زن یا مرد بودن نیست بلکه براساس مسوولیت مالی و موقعیتی است که این دو در خانواده دارند، و این که بعضی گمان کرده‌اند زن به خاطر جنسیت، سهم الارثش همیشه نصف مرد بوده، گمانی باطل و ناشی از بی‌دقتی در احکام ارث است.

اگر این افراد احکام ارث را با دقت بیشتری مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دانند، متوجه می‌شوند که نه تنها سهم الارث زن همیشه نصف مرد نیست بلکه در مواردی مساوی و یا حتی بیشتر از مرد و گاهی دو برابر مرد است.

### کلیدواژه

مذاهب خمسہ، ارث، زنان نسبی.

## مقدمه

قدمت مساله‌ی ارث به قدمت زندگی بشر می‌رسد، یعنی هر فردی اموال را به ناچار برای فرد یا افراد بعد از خود به جای می‌گذاشته است. بنابراین اصل انتقال اموال و دارایی از نسلی به نسل دیگر یک امر مسلم و قطعی است. از دورترین دوران تاریخ، که بشر زندگی اجتماعی خود را با تشکیل خانواده آغاز کرد و مالکیت شخصی برای او شناخته شد، مساله‌ی میراث که در واقع، تعیین اموال و دارایی آدمی، بعد از فوت او است، مورد توجه قرار گرفت.

اما ارث بردن زن هم مانند سایر حقوق اجتماعی او در طول تاریخ، دستخوش تحولات و دگرگونی‌ها بوده، و در حالی که مرد از دوران قدیم در کهن‌ترین نظام‌ها، به عنوان قرابت نسبی یا سببی از میراث اموال بهره‌مند بوده است، در بیشتر نظام‌ها و جوامع بشری، یا برای زن، حق ارث قابل نبوده‌اند و یا تحت عناوین دیگری مانند «وصیت» سهم مختصری به او تعلق می‌گرفته است، و این محرومیت، به ویژه در مورد زوجه نسبت به اموال شوهر متوفایش مشهودتر بوده است. زیرا نه تنها زن، سهمی در ترکه‌ی شوهر نداشت، بلکه چه بسا، خود نیز جزو اموال و دارایی شوهر، به ارث برده می‌شد. (مهرپور: بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران، ۹ و ۸)

در این حال و هوا و فضای حقوقی و اجتماعی که علی‌الاصول، زن از ارث، و بسیاری از حقوق اجتماعی دیگر محروم بود، خورشید اسلام تابید و قرآن مجید نازل شد و ضمن بخشیدن حقوق انسانی و اجتماعی و مدنی به زن و بالابردن شأن و حیثیت انسانی او، در مورد میراث نیز مقرراتی وضع کرد و برای زن اعم از زوجه، مادر، دختر و خواهر، سهمی از ترکه قرار داد؛ و میراث واقع شدن زن را تقبیح و تحریم کرد.

در این مقاله سعی شده است با تحقیق در منابع اصیل، قانون ارث زنان نسبی در مذاهب مختلف بررسی شود. بدیهی است، نفس مقایسه و مقارنه بر امتیاز ارث شیعه که از قرآن و روایت‌های ائمه علیهم السلام سرچشمه گرفته است، گواهی می‌دهد.

قبل از ورود به بحث، توضیح این مطالب ضروری است:

## انواع ارث بنا بر عقیده‌ی امامیه و اهل سنت:

۱- ارث به فرض که مورد اتفاق هر دو مذهب است. این نوع ارث اختصاص دارد به کسانی که استحقاق دارند به حکم شرع از ترکه سهم معین داشته باشند این سهم معین در قرآن آمده است که در شش مورد اجماع وجود دارد.  $\frac{1}{2}$ ،  $\frac{1}{4}$ ،  $\frac{1}{8}$ ،  $\frac{2}{3}$ ،  $\frac{1}{6}$ . (نجفی: جواهر کلام، ۹۲-۱۱ و ۳۹/۱۰؛ عبدالله: احکام الموارث فی الشریعة الاسلامیه، ۱۲).

۲- ارث به قرابت نسبی که مورد قبول امامیه است. نسبت یعنی متصل شدن شخص به دیگری به ولادت یکی از آن دو از دیگری یا منتهی شدن ولادت هر دو به ثالثی با صدق اسم نسب در عرف بر وجه شرعی. نسب دارای سه مرتبه است که اگر یکی از مراتب قبلی وجود داشته باشند، دیگر نوبت به مرتبه بعدی نمی‌رسد.

مرتبه‌ی اول پدر و مادر بدون والدینشان و فرزندان هر چقدر پایین بیایند. مرتبه‌ی دوم، برادران و خواهران و اجداد و جدات هر چند بالا بروند و فرزندان برادر و خواهر هر چند پایین بروند پسر باشند یا دختر (در صورت نبودن پدر و مادرشان). مرتبه‌ی سوم، عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌ها هر چقدر بالا بروند و اولاد آن‌ها هر چقدر پایین بیایند. (در صورت نبودن پدر و مادرشان). (شهید ثانی: الروضه البهیة، دوره‌ی سه جلدی، ۱- ۳/۱۸۰)

۳- ارث به تعصیب که مورد قبول اهل سنت است. عصبه، قوم و خویش پدری هستند که اهل سنت صرفاً به جهت عصبه بودن به آن‌ها ارث می‌دهند. به عبارت دیگر هر گاه مقداری از ارث از سهم صاحبان فروض زیاد آید بین آن‌ها به نسبت سهمشان تقسیم نمی‌کنند بلکه به خویشان پدری می‌دهند یا اگر صاحب فرضی وجود نداشت، کل ترکه به عصبه می‌رسد. مغینه: الفقه علی المذاهب الخمسه، ۵۱۰ و ۵۰۹)

۴- ارث به رد که بنا بر عقیده‌ی امامیه بعد از دادن سهم اصحاب فروض اگر چیزی باقی آمد به نسبت سهم هر یک از اصحاب فروض به آن‌ها رد می‌شود. (حسینی عاملی: مفاتیح الکرامه، ۸/۱۰)

بنابر عقیده‌ی اهل سنت در صورت نبودن عصبه باقیمانده از سهم صاحبان فروض به آن‌ها رد می‌شود. این نوع ارث مورد قبول حنابله و حنیفه است اما شافعیه و مالکیه باقیمانده از سهم صاحبان فروض را در صورت نبودن عصبه به بیت‌المال می‌دهند. (الزحیلی، وهبه، الفقه السلامی و ادلته، ۲۸۰ و ۲۷۹؛ عبدالله: احکام الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ۱۲)

۵- ارث به ولاء که مورد قبول امامیه و حنفیه است. (همو، همان‌جا) (توضیح این مطلب در این مقاله ضرورتی ندارد.)

۶- ارث به رحم که مورد قبول حنابله و حنفیه است یعنی با نبودن صاحبان فرض و عصبیات، ترکه به ذوی الارحام تعلق می‌گیرد. حنابله از اصحاب فروض، زوجین را استثنا کردند و گفته‌اند ذوی الارحام در هنگام نبودن اصحاب فروض غیر از زوجه و عصبیات ارث می‌برند (همو، همان‌جا)

### میراث مادر در مذاهب خمس

مذاهب اتفاق دارند که مادر فقط به فرض ارث می‌برد. (البردیسی: المیراث و الوصیه فی الاسلام، ۵۴) و فرض آن  $\frac{1}{3}$  یا  $\frac{1}{6}$  است. و اهل سنت معتقدند که مادر گاهی سهمش را به صورت عول<sup>۱</sup> می‌گیرد. که در این صورت سهمش کمتر از  $\frac{1}{6}$  می‌شود. اما هیچ‌گاه مادر به تعصب ارثی نمی‌گیرد زیرا اول اینکه مرد نیست، دوم اینکه کسی که بتواند او را عصبه کنند، وجود ندارد. (ابوزهرة: احکام التركات و الموارث، ۱۴۹).

مذاهب اتفاق دارند که اگر میت دارای نوه (چه مذکر و چه مؤنث) نباشد، هم‌چنین میت اخوه و اخواتی که شرایط حاجب شدن را دارند، نداشته باشد سهم مادر  $\frac{1}{3}$  است.

### موارد اختلاف مذاهب

۱- چون سهم مادر دیگر از اصحاب فروض داده شود و مقداری از ترکه باقی بماند:

۱. منظور آن است که سهام صاحبان فرض از اصل فریضه، بیشتر شود که در این صورت تمام صاحبان فرض، سهم فامیل خود را نمی‌برند بلکه نقصی در اصل تقسیم پیش می‌آید. عول مورد قبول امامیه نیست. (ابوزهرة: احکام التركات و الموارث، ۱۲۶)

مذاهب اربعه اعتقاد دارند در صورت وجود عصبه باقی مانده را به عصبه می‌دهیم اما اگر میت عصبه‌ای نداشت:

حنابله و حنفیه معتقدند مابقی را به صاحبان فروع به نسبت سهمشان رد می‌کنیم.

شافعیه و مالکیه مابقی را به بیت‌المال می‌دهند.

امامیه تعصب را قبول ندارند بلکه می‌گویند مابقی را به مادر و دیگر از صحاب به فروع به نسبت سهمشان رد باید کرد.

زمانی که میت دارای مادر، دو دختر و زوج باشد یا دارای مادر، یک دختر، پدر و زوج باشد اهل سنت قایل به عول هستند و می‌گویند نقص را بر همه باید به نسبت سهمشان وارد کرد.

مادر	دو دختر	زوج		
$\frac{1}{6}$	$\frac{2}{3}$	$\frac{1}{4}$		$\frac{2+2+3}{12} = \frac{13}{12}$
مادر	پدر	یک دختر	زوج	
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{2+2+6+3}{12} = \frac{13}{12}$

اهل سنت در این موارد قایل به عول هستند و می‌گویند نقص را بر همه به نسبت سهمشان باید وارد کرد. یعنی مثلاً سهم مادر به جای  $\frac{2}{12}$ ،  $\frac{2}{13}$  می‌شود.

امامیه قایل به عول نیستند بلکه آن‌ها می‌گویند ابتدا سهم مادر و زوج را می‌دهیم سپس مابقی را به دختر یا دختران می‌دهیم.

۳- میت دارای پدر و مادر و همسر باشد، این مسأله به مسأله غراویه مشهور است در

این صورت اهل سنت ابتدا سهم زوج یا زوجه را می‌دهند سپس  $\frac{1}{3}$  از مابقی یعنی  $\frac{1}{3}$  از

باقی‌مانده از سهم زوج یا زوجه را به مادر می‌دهند و استدلال کردند که اگر  $\frac{1}{3}$  از

باقی‌مانده سهم زوج یا زوجه را با مادر ندهیم و از  $\frac{1}{3}$  اصل ترکه سهم مادر را بدهیم در

این صورت برای پدر  $\frac{1}{6}$  باقی می‌ماند در نتیجه سهم مادر دو برابر سهم پدر می‌شود که این کار در شرع بعید است.

اگر در این مساله به جای پدر، جد صحیح بود (در میراث جده توضیح کامل جد صحیح خواهد آمد)، مادر  $\frac{1}{3}$  از کل ترکه را ارث می‌برد.

امامیه در این مساله اعتقاد دارد که  $\frac{1}{3}$  از اصل ترکه را به مادر می‌دهیم به خاطر آیه که گفته است: فَلِأُمَّهِ الثَّلَاثُ.

۴- زمانی که با مادر، پدر و فرع وارث (نوه) و یکی از زوجین نباشند. مظاهر اربعه معتقدند مادر تمام مال را به ارث نمی‌برد مگر با نبودن صاحبان فرض و عصبه یعنی نه پدر و جد پدری و نه اولاد و اولاد آنها و نه خواهر و اولاد آنان و نه عمو و اولادشان نه اجداد اما جدات مانع مادر نیستند بنابراین با بودن مادر، جدات از ارث محروم هستند و همچنین دایی و خاله حاجب مادر نیستند زیرا بنابر قاعده ادلاء<sup>۱</sup> اگر با مادر صاحب فرض و عصبه نباشد پس از فرض  $\frac{1}{3}$  مادر، بقیه بنابر عقیده‌ی حنفیه و حنبلیه به مادر رد می‌شود اما بنابر عقیده‌ی شافعیه و مالکیه به بیت‌المال داده می‌شود. (همو، همان ۱۹۴)

امامیه معتقد است تمام مال از آن مادر است.

۵- اگر با مادر دختر صلبی یا پسر یا پسران یا اولاد پسر باشد از نظر مذاهب اربعه مادر  $\frac{1}{6}$  فرض دارد و اگر اولاد دختر با مادر باشد وجود یا وجود نداشتن این اولاد دختر مساوی است و حاجب مادر نمی‌شوند. اما از نظر امامیه اولاد دختر با اولاد پسر فرقی ندارند و هر دو حاجب مادر هستند.

۶- اگر میت دارای مادر و یک دختر باشد و دیگر هیچ صاحب فرض و عصبه نباشد فرض مادر  $\frac{1}{6}$  و فرض دختر  $\frac{1}{3}$  است. و مابقی بنابر عقیده‌ی امامیه و حنفیه و حنابله به آنها رد می‌شود. اما بنابر عقیده‌ی شافعیه و مالکیه مابقی به بیت‌المال می‌رسد البته

۱. یعنی کسی که با میت به وسیله‌ی ورثاتی ارتباط دارد، بنابراین تا زمانی که این وارث زنده است، آن شخص حجب حرمانی دارد و از ارث محروم است. (ابوزهره: احکام التركات و الموارث، ۱۹۴)

شافعیه و مالکیه معتقدند اگر بیت‌المال منتظمی یعنی امام غیر عادل متصدی امور بود مابقی را به صاحبان فرض به نسبت سهمشان رد می‌کنند. البته اگر میت دارای مادر و دو دختر باشد باز هم همانند بالا عمل می‌کنند.

۷- اگر میت دارای مادر و جد پدری باشد.

مذاهب اربعه معتقدند جد در حکم پدر است در نتیجه به مادر  $\frac{1}{3}$  ارث می‌رسد و مابقی به جد می‌رسد. بنابر عقیده‌ی آن‌ها با وجود مادر، جد مادری به اجماع ارث نمی‌برد.

امامیه معتقدند تمام مال به مادر می‌رسد زیرا از طبقه اول است اما جد از طبقه‌ی دوم، بنابراین هیچ یک از اجداد و جدات با مادر یا پدر در ارث بردن شریک نیستند.

۸- اگر میتی دارای مادر و برادر ابوینی یا ابی باشد.

اهل سنت عقیده دارند  $\frac{1}{3}$  به مادر می‌رسد و مابقی به برادر می‌رسد زیرا عصبه است و اگر چند برادر یا خواهر ابوینی یا ابی یا امی باشد سهم مادر  $\frac{1}{6}$  و مابقی از آن خواهر و برادر می‌شود.

امامیه معتقدند تمام ارث به فرض و رد به مادر می‌رسد زیرا مادر از طبقه‌ی اول ولی برادر از طبقه‌ی دوم است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۹- اگر میتی دارای مادر و یک یا دو خواهر ابوینی یا ابی باشد، همانند شماره‌ی ۶ است.

۱۰- اگر میتی دارای مادر و یک برادر مادری یا خواهر مادری باشد و هیچ صاحب فرض و عصبه‌ای نباشد اهل سنت معتقد است کلاله امی  $\frac{1}{6}$  و مادر نیز  $\frac{1}{3}$  فرض دارد و  $\frac{1}{2}$  باقی بنابر عقیده‌ی حنبلیه و حنفیه به هر کدام از این دو به نسبت سهمشان رد می‌شود.

و بنابر عقیده شافعیه و مالکیه به بیت‌المال می‌رسد. اما امامیه معتقد است تمام مال فرضاً و رداً به مادر می‌رسد و اگر میت دارای مادر و چند کلاله باشد به همین روش تقسیم ارث می‌شود.

۱۱- هر گاه میتی دارای مادر و یک خواهر ابوینی و یک خواهر پدری باشد. مذاهب اربعه معتقدند به مادر  $\frac{1}{6}$  فرضا تعلق می‌گیرد و  $\frac{1}{3}$  به خواهر تنی و  $\frac{1}{6}$  به خواهر پدری از باب تکمله للثلثین  $\frac{1}{6}$  باقی بنابر عقیده‌ی حنبلیه و حنفیه به هر کدام از این سه نفر به نسبت سهمشان رد می‌شود و بنابر عقیده‌ی شافعیه و مالکیه به بیت‌المال می‌رسد.

امامیه معتقدند تمام ترکه فرضا و ردا به مادر می‌رسد.

۱۲- هرگاه میتی دارای مادر و عموی ابوینی یا ابی باشد.

مذاهب اربعه  $\frac{1}{3}$  به مادر و مابقی به عمو می‌رسد زیرا عصبه است و اگر دارای مادر و یک خواهر مادری و عموی پدری باشد  $\frac{1}{3}$  از آن مادر و  $\frac{1}{6}$  از آن خواهر مادر و مابقی از آن عموی پدری می‌شود.

امامیه کل ترکه فرضا و ردا به مادر می‌رسد.

۱۳- هرگاه میتی دارای مادر و دختر دختر باشد.

مذاهب اربعه معتقدند به مادر  $\frac{1}{3}$  فرضا می‌رسد که بنابر عقیده‌ی حنبلیه و حنفیه

$\frac{2}{3}$  را هم به مادر رد می‌کنند.

اما بنابر عقیده‌ی شافعیه و مالکیه  $\frac{2}{3}$  مابقی به بیت‌المال می‌رسد زیرا آنان دختر

دختر را از ذوی‌الارحام می‌دانند.

امامیه معتقدند به مادر  $\frac{1}{6}$  فرضا و به دختر دختر  $\frac{1}{3}$  فرضا می‌رسد و مابقی را به

هردوی آن‌ها به نسبت سهمشان رد می‌کنند. (عمو، همان‌جا؛ مغینه: الفقه علی المذاهب الخمسه، ۹



### میراث دختر صلبی در مذاهب خمسہ

منظور از صلبی یعنی با پدر و مادر بدون واسطه ارتباط دارد. (عبدالله: احکام الموارث فی الشریعہ الاسلامیہ، ۱۵۰)

در مواردی میراث دختر صلبی، بین امامیه و اهل سنت اختلاف است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### میراث دختر در فقه امامیه

امامیه اعتقاد دارد هرگاه میت فقط یک دختر داشته باشد، نصف ترکه را به فرض و نصف را به رد می‌برد و اگر میت فقط دو یا چند دختر داشته باشد دو سوم را به فرض و مابقی را به رد می‌برند. زیرا امامیه ارث را به تعصیب را (چون دلیل قانع‌کننده‌ای ندارد) نپذیرفته است. بنابر این بعد از دادن فروض معینه، باقی‌مانده ترکه را به نزدیک‌ترین خویشاوندان نسبی که در این جا دختر است، رد می‌کند دختر صلبی هیچ گاه از میراث محجوب نمی‌شود.

اگر دختر یا دختران همراه پسر یا پسران باشند به قرابت ارث می‌برند یعنی ارث دختران نصف ارث پسران می‌شود. (مغینہ: الفقه علی المذاهب الخمسه، ۵۴۲)

### میراث دختر در فقه اهل سنت

مذاهب چهارگانه گفته‌اند: دختر صلبی یا تنہاست یعنی برادری با او نیست و یا اینکه همراه او برادری است. بنابراین اگر یک دختر صلبی بدون برادر باشد، سهم او نصف ترکه شود و اگر چند دختر صلبی بدون برادر باشند، سهم آنان  $\frac{2}{3}$  ترکه می‌شود و بقیه سهم عصبه است.

اما اگر به همراه دختر صلبی یا دختران صلبی، برادر نیز باشد این دختر یا دختران را عصبه بالغیر می‌کند. بنابراین آن‌ها بالعصوبه ارث می‌برند (لذکر مثل حظ الاثینین یعنی پسر دو برابر دختر).

(عصبه بالغیر، شخص مؤنثی که دارای فرض است با او برادری از درجه‌ی خودش می‌باشد که به وسیله‌ی او عصبه می‌شود که آن‌ها عبارتند از:

۱- دختر یا دختران ۲- دختر پسر یا دختران پسر ۳- خواهر یا خواهران ابوینی  
 ۴- خواهر یا خواهران ابی البته این‌ها به ضمیمه برادرانشان چه تنی چه غیر تنی.  
 (همو، همان، ۵۱۰؛ الزحیلی: الفقه الاسلامی و ادلته، ۳۳۵)  
 اهل سنت اعتقاد دارند دختران صلیبی در سه حالت قرار می‌گیرند:  
 ۱- اگر فقط یک دختر تنها باشد (تک فرزند) در این صورت سهم او نصف ترکه می‌شود.

۲- اگر دو دختر یا بیشتر باشند و کسی که آن‌ها را عصبه کند، همراه آنان نباشد  $\frac{2}{3}$   
 ترکه را ارث می‌برند.

۳- اگر همراه دختر، پسری باشد او را عصبه بالغیر می‌کند که در این صورت سهم دختر نصف سهم پسر می‌باشد.

۴- دلیل آنان بر، این مطلب آیه قرآن است: قوله تعالی «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین و ان کن نساء فوق فلهن ثلثا ما ترک و ان کانت واحده فلها النصف...» (سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۱).

در این آیه سهم یک دختر و سهم از دو دختر بیشتر به صراحت بیان شده است اما آیه به صراحت در مورد سهم دو دختر دلالتی ندارد.  
 اهل سنت گفته‌اند ما بر این مطلب نص و اجماع داریم.

در مورد سهم دو دختر که  $\frac{2}{3}$  است همه موافق هستند به جز ابن عباس که از او دو قول، نقل شده است:

۱- دو تا دختر مثل یک دختر هستند و  $\frac{1}{4}$  سهم دارند اما وقتی از دو تا بیشتر شد، سهم می‌برند  $\frac{2}{3}$

۲- سهم دو دختر نصف به اضافه یک قیراط است که بدین ترتیب محاسبه کرده‌اند:

$$2 = \frac{7}{12} = \frac{3+4}{6} = \frac{2}{3} + \frac{1}{4} \text{ (سهم یک دختر)}$$

$$\text{یک قیراط} = \frac{7-6}{12} = \frac{1}{12} \text{ (سهم یک دختر)} - \frac{1}{4} = \frac{7}{12}$$

بنابراین سهم یک دختر،  $\frac{1}{4}$  است، وقتی دو دختر شد، نصف به اضافه یک قیراط سهم می‌برند. (حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، ۸/۱۰۸؛ نجفی: جواهر الکلام، ۳۹/۹۳؛ ابوزهره: احکام التركات و الموارث، ۱۳۲؛ عبدالله: احکام الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ۱۵۳).

دختر و دختران صلبی مانند زوجین، حجب حرمانی ندارند بنابراین اگر میراث باشد و موانع ارث منتقی باشد به یقین از ترکه ارث می‌برند. (شهید ثانی: الروضه البهیة، دوره‌ی سه جلدی، ۱-۳/۱۹۰)

### میراث جدّه در مذاهب خمس

#### عقیده‌ی امامیه در مورد میراث جدّه

امامیه بعد از رد عقیده‌ی اهل سنت مبنی بر جدّه صاحب فرض  $\frac{1}{6}$  می‌باشد عقیده دارد که جدّه از طبقه‌ی دوم است و تا زمانی که یک نفر از طبقه، زنده است، نوبت به طبقه‌ی دوم نمی‌رسد.

هم‌چنین امامیه عقیده دارند جدّه زمانی که تنها باشد چه از طرف پدر و چه از طرف مادر تمام مال را به ارث می‌برد.

اگر میتی دارای جد و جدّه پدری و جدّه مادری باشد برای متقرب به پدر  $\frac{2}{3}$  از ترکه که به طریق للذکر مثل حظ الانثیین با هم تقسیم می‌کنند و برای متقرب به ام  $\frac{1}{3}$  از ترکه است که بآل‌سویه بین خود تقسیم می‌کنند (همو، همان، ۳/۲۰۴).

#### عقیده‌ی اهل سنت در مورد میراث جدّه

جدّه صحیح در نزد مذاهب اربعه فقط صاحب فرض می‌باشد و اهل سنت می‌گویند ما اجماع داریم که جدّه، فرض  $\frac{1}{6}$  دارد. (سرخسی: مبسوط، ۲۹/۱۶۵؛ عبدالله: احکام الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ۲۱۱)

دلیل اهل سنت بر این نوشته چند روایت از پیامبر (ص) است از آن جمله: (وهبه الزحلی: الفقه الاسلامی و ادلته، ۳۲۹).

۱- پیامبر (ص) برای جده  $\frac{1}{6}$  از ترکه را قرار دادند.

۲- پیامبر (ص) قضاوت کردند برای دو جده،  $\frac{1}{6}$  از میراث را.

۳- پیامبر (ص) برای جد  $\frac{1}{6}$  را قرار دادند در صورتی که میت مادر نداشته باشد.

۴- پیامبر (ص) در مورد سه جده که دو تا از آن‌ها پدری و یکی از آن‌ها مادری بود  $\frac{1}{6}$  از میراث را قرار دادند.

مراد از جده، جده‌ای است که در نسبتش با میت جد رحمی یا جد فاسد یا جد نا- صحیح وجود نداشته باشد که به این چنین جده‌ای، جده صحیح یا ثابت گویند. (همو، همان‌جا).

جده صحیح ارتباط دارد با میت به وسیله‌ی کسی که صاحب فرض است، مانند مادر یا به وسیله کسی که عاصب است مانند پدر جده صحیح، مادر یکی از پدر و مادر است یا جده صحیح یکی از آن دو و هر چه بالاتر رود، است. (عبدالله: احکام الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ۲۰۹).

در مقابل جده صحیح، جده رحمی یا فاسد قرار دارد و او کسی است که در ارتباطش با میت، جد رحمی داخل باشد مانند مادر پدر مادر و مادر پدر مادر پدر. (وهبه الزحیلی: الفقه الاسلامی و ادلته، ۳۲۷).

به عبارت دیگر جده رحمی با میت یا کسی که نه عاصب است و نه صاحب فرض ارتباط دارد یا این که جده رحمی جده‌ای است که در ارتباطش با میت، پدر بین دو مادر قرار گرفته باشد. (همو، همان‌جا). مثل مادر پدر مادر به عقیده‌ی اهل سنت به این چنین جده چون از ذوی الارحام می‌باشد ارث تعلق نمی‌گیرد.

به عقیده‌ی اهل سنت جده ذات القربتین (یعنی جده‌ای که از دو طرف با میت ارتباط دارد. مثل مادر مادر مادر که او نیز مادر پدر پدر میت هم است و یا مادر مادر مادر که او نیز مادر پدر میت است) نیز دارای فرض  $\frac{1}{6}$  است و اگر از یک طرف حاجب داشته باشد او فرضش را از طرف دیگر می‌برد. (همو، همان‌جا).

## میراث خواهر یا خواهران ابوینی در مذاهب خمسہ

### عقیده‌ی امامیه

خواهران ابوینی، تا زمانی که از طبقه‌ی اول کسی باشد، ارث نمی‌برند زیرا آن‌ها از طبقه‌ی دوم هستند، بنابراین اگر میت دارای پدر، مادر و فروع وارث (نوه) خواه مذکر یا مؤنث باشد خواهر ارثی نمی‌برد.

اما اگر از طبقه‌ی اول کسی نباشد آن وقت نوبت به خواهر ابوینی می‌رسد، حال اگر خواهر ابوینی تنها باشد و برادری با او نباشد، فرضش  $\frac{1}{4}$  است و اگر دو و یا بیشتر باشند، فرضشان  $\frac{2}{3}$  می‌شود و اگر بعد از دادن فرض آن‌ها چیزی از ترکه زیاد آمد به آن‌ها رد می‌شود. اما اگر خواهر ابوینی همراه با برادرش باشد در این صورت به قرابت ارث می‌برند یعنی للذکر مثل حظ الانثیین. از نظر امامیه، خواهر هیچ گاه عصبه نمی‌شود و به تعصیب ارث نمی‌برد. زیرا امامیه اصولاً تعصیب را قبول ندارند.

امامیه اعتقاد دارند تا زمانی که خواهر یا خواهران ابوینی باشند به خواهر یا خواهران ابی ارثی نمی‌رسد. (حسینی عاملی: مفتاح الکرامه، ۸/۱۴۱؛ نجفی: جواهر الکلام، ۹-۳۹/۱۴۷).  
مدرک ارث بردن خواهر ابوینی، آخرین آیه‌ی سوره‌ی نساء، مشهور به آیه‌ی استفتاء است.

### عقیده‌ی اهل سنت در مورد میراث خواهر یا خواهران ابوینی

اخوه ابوینی را اولاد الاعیان گویند. خواهر ابوینی یا اخت شقیقه هر مؤنثی را گویند که با متوفی در پدر و مادر شریک باشد. مذاهب اتفاق دارند که اگر پدر متوفی زنده باشد، حاجب اخت شقیقه است.

ابوحنیفه اعتقاد دارد که جد صحیح نیز حاجب اخت شقیقه است.

اهل سنت می‌گویند اگر فرع وارث، مذکر باشد یعنی پسر یا پسر پسر و هر چه پایین

رود، این‌ها حاجب اخت شقیقه و اخوات شقیقه هستند. (همو، همان، ۳۹/۱۴۹)

اهل سنت اعتقاد دارند که خواهر یا خواهران ابوینی به سه صورت می‌برند:

۱- بالفرض      ۲- عصبه بالغیر      ۳- عصبه مع‌الغیر

مالکیه و شافعیه عقیده دارند که خواهر و خواهران ابوینی با اولاد مادر شریک

می‌شوند که این، به مساله مشترکه<sup>۱</sup> مشهور است. (عبدالله: احکام الموتریث فی الشریعه الاسلامیه، ۱۷۶).

مادر	شوهر	کلاله امی	اخوه ابوینی	
$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{2}$	هیچ	هیچ	امامیه
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{3}$	هیچ	حنفی و حنبلی
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{3}$ بالسویه	مالکی و شافعی

بر طبق عقیده‌ی اهل سنت خواهر یا خواهران ابوینی در ارث بردن پنج حالت دارند:

۱-  $\frac{1}{3}$  به فرض ارث می‌برند زمانی که فقط یک خواهر ابوینی باشد و عصبه بالغیر و عصبه مع‌الغیر نباشد یعنی با او برادر ابوینی نباشد تا او را عصبه بالغیر کند هم‌چنین با دختر صلیبی یا دختر پسر متوفی نباشد تا او را عصبه مع‌الغیر کند.

۲- دو سوم به فرض ارث می‌برند زمانی که دو خواهر یا بیشتر باشند به شرطی که عصبه بالغیر و عصبه مع‌الغیر نباشد.

۱. وجه تسمیه‌ی این مساله به مشترکه یا مشرکه این است که اخوه ابوینی با کلاله امی در یک سوم شریک

می‌شوند.

نام دیگر این مساله، حماریه و یمیه و حجریه و عمریه است. که در زمان خلافت عمر بن خطاب اتفاق افتاد. عمر در مرتبه‌ی اول این طور قضاوت کرد که چیزی به اخوه ابوینی تعلق نمی‌گیرد اما بعد از اعتراض یکی از آن‌ها که به خلیفه‌ی دوم گفت، فرض کن پدر ما حماری باشد و یا سنگی باشد و یا این‌که پدر ما را در دریا بینداز، اما از طرف مادر که با کلاله امی یکی هستیم چه طور به آن‌ها یک سوم از ترکه تعلق نمی‌گیرد اما به ما چیزی تعلق می‌گیرد. بعد عمر در مرتبه‌ی دوم این طور قضاوت کرد که یک سوم را کلاله امی با اخوه ابوینی با هم بالسویه تقسیم کنند.

۳- به عنوان عصبه بالغیر ارث می‌برد زمانی که با او برادر ابوینی باشد که در این صورت عصبه بالغیر می‌شود و با برادرش تعصباً ارث می‌برد یعنی به طریق للذکر مثل حظ الاثنین خواه یک خواهر ابوینی باشد و خواه یک برادر ابوینی باشد و یا بیشتر (و اگر در این صورت با این خواهر یا خواهران ابوینی دختر یا دختر پسر متوفی باشد، فایده‌ای ندارد و نمی‌تواند او را عصبه مع الغیر کنند) در این حالت بعد از دادن سهم صاحبان فرض باقی مانده را تعصبا بین خود تقسیم می‌کند و اگر بعد از دادن سهم صاحبان فرض چیزی باقی نماند به آن‌ها چیزی نمی‌رسد زیرا زمانی به عصبات ارث تعلق می‌گیرد که از ترکه بعد از دادن سهم صاحبان فروض چیزی باقی بماند.

۴- اخت شقیقه به عنوان عصبه مع الغیر ارث می‌برد زمانی که با او دختر صلبی متوفی یا دختر پسر متوفی باشد که در این صورت خواهر ابوینی عصبه مع الغیر می‌شود (البته به شرطی که با این خواهر ابوینی نباشد که در این حالت این خواهر ابوینی عصبه بالغیر می‌شود و با برادرش تعصباً ارث می‌برد). وقتی که خواهر ابوینی به وسیله‌ی دختر صلبی یا دختر پسر متوفی عصبه مع الغیر شد در این صورت نقش برادر ابوینی نیز حاجب آن‌ها می‌شود (حجب حرمان) مثل خواهر ابی و برادر ابی.

۵- خواهر ابوینی با کلالة امی در فرضشان شریک می‌شود. مذهب مالکیه و شافعیه در مسأله‌ی مشترکه و یک سوم را بین خودشان بالسویه تقسیم می‌کنند. (همو، همان، از ۱۶۹ تا ۱۷۳)

## میراث خواهر یا خواهران پدری در مذاهب خمسہ

### عقیده‌ی امامیه

امامیه بعد از رد تعصب اعتقاد دارند که خواهر پدری در صورتی ارث می‌برد که:

- ۱- از طبقه‌ی اول کسی نباشد. ۲- میت خواهر و برادر ابوینی نداشته باشد. در این صورت اگر این خواهر پدری دارای برادر پدری نباشد اگر فقط یک خواهر پدری باشد  $\frac{1}{3}$  به فرض و در صورت تعدد  $\frac{2}{3}$  به فرض ارث می‌برد و در هر دو صورت مابقی به آن‌ها

رد می‌شود. اما اگر با خواهر پدری، برادر پدری‌اش همراه باشد به قرابت ارث می‌برد یعنی للذکر مثل حظ الانثیین. (محقق حلی: شرایع الاسلام، ۸۲۸).

### عقیده‌ی اهل سنت در مورد میراث خواهر یا خواهران پدری

به خواهر یا خواهران پدری بنوآلعات گویند. (حسینی عاملی: مفتاح الکرامه، ۸/۱۴۱) خواهر پدری هر مونثی است که از پدر با متوفی شریک باشد و با مادر متوفی ارتباطی ندارد. (البردیسی: المیراث و الوصیه فی الاسلام، ۵۱)

اهل سنت اجماع کردند که خواهران ابی در صورت نبودن خواهران ابوینی جانشین آن‌ها می‌شوند و حکم خواهران ابی همانند حکم خواهر ابوینی است. (مغنیه: الفقه علی المذاهب الخمسه، ۵۴۷).

یعنی تمام مواردی را که در مورد ارث بردن خواهران ابوینی گفته شد، در مورد خواهران ابی نیز جاری است به جز یک مورد و آن مسأله‌ی مشترکه است. (عبدالله: احکام الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ۱۸۴). یعنی خواهران ابی با خواهران امی در ارث بردن مشارکتی ندارند.

اهل سنت اعتقاد دارند، یک مورد فقط مخصوص خواهر ابی محسوب می‌شود و آن زمانی است که خواهر ابی با یک خواهر ابوینی همراه باشد که در این صورت دارای  $\frac{1}{6}$  است. استدلال آن‌ها این است که اگر شخصی فوت کند و دارای یک خواهر ابوینی و یک خواهر ابی باشد در این صورت صادق است که بگوییم متوفی چند خواهر دارد.

از طرفی در قرآن سهم دو خواهر و بیشتر،  $\frac{2}{3}$  معین شده، هم‌چنین فرض یک خواهر ابوینی در قرآن مشخص گردیده، که  $\frac{1}{4}$  است، بعد از دادن سهم خواهر ابوینی

باقیمانده  $\frac{1}{6}$  است که به خواهر یا خواهران ابی داده می‌شود از باب تکلمه للثلثین.

اما اگر با خواهر ابی، دو خواهر ابوینی و یا بیشتر همراه باشد در این صورت دیگر تکلمه للثلثین درست نمی‌شود، زیرا دو خواهر ابوینی یا بیشتر فرض  $\frac{2}{3}$  را تماماً بردند و دیگر چیزی باقی نماند که به خواهر ابی برسد مگر این که در این صورت با خواهر ابی



برادر ابی همراه باشد تا او را عصبه بالغیر کند و باقیمانده‌ی ترکه را بعد از دادن سهم صاحبان فرض تعصیبا ارث ببرند. (وهبه الزحلی: الفقه الاسلامی و ادلته، ۳۲۴).  
مدرک ارث بردن خواهر ابی همان مدرک ارث بردن خواهر ابوینی است یعنی آخرین آیه‌ی سوره‌ی نساء مشهور به آیه‌ی استفتاء است که به اتفاق گفته‌اند، منظور اخت در این آیه، خواهر ابوینی یا ابی بوده است.

### میراث خواهر یا خواهران مادری در مذاهب خمسہ

#### عقیده‌ی امامیه

امامیه معتقدند تا زمانی که از طبقه‌ی اول یک نفر زنده باشند به کلاله امی که از طبقه‌ی دوم است، ارثی نمی‌رسد، بنابراین با وجود فرع وارث (نوه) چه مذکر و چه مؤنث و یا مادر و یا پدر به کلاله امی ارثی نمی‌رسد.

عقیده‌ی امامیه این است که اگر یک خواهر مادری برای میتی باشد  $\frac{1}{6}$  و اگر چند خواهر مادری باشند  $\frac{1}{3}$  از ترکه را ارث می‌برند که بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند. (عبدالله: احکام الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ۱۶۴)

دلیل ارث بردن کلاله امی از نظر امامیه، همان دلیل اهل سنت است که ذکر شد. در مسأله مشترکه امامیه معتقدند که تمام مال به مادر می‌رسد زیرا مادر، حاجب کلاله امی و ابوینی و از طبقه اول است. (مغنیه: الفقه علی المذاهب الخمسه، ۵۳۹)

#### عقیده‌ی اهل سنت در مورد میراث خواهر یا خواهران مادری

به اولاد مادری، اولاد الاخیاف گویند. (عبدالله: احکام الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ۱۶۴)  
خواهران مادری با متوفی از نظر مادر مشارکت دارند. (البردیسی: المیراث والوصیه فی الاسلام، ۵۳)

اولاد مادر همیشه فرض بر هستند و هیچ گاه به عنوان عصبه ارثی نمی‌برند، زیرا نه خودشان عصبه هستند به خاطر این‌که به وسیله‌ی مادر به متوفی مرتبط هستند و نه می‌توانند عصبه بالغیر و عصبه مع الغیر شوند.

خواهران و برادران مادری از تقسیم ارث بالسویه ارث می‌برند. (عبدالله: احکام موارث فی الشریعه الاسلامیه، ۱۶۳) و این مطلب از آیهی قرآن فهمیده می‌شود که فرموده است: «وَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ» (سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۲) و معنای شریک ظهور دارد که برابر ارث می‌برند.

کلاله امی اگر تنها باشند  $\frac{1}{6}$  ارث می‌برند و اگر دو و یا بیشتر باشند  $\frac{1}{3}$  ارث می‌برند که بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند. (البردیسی: المیراث و الوصیه فی الاسلام، ۵۳) شرط توارث در خواهر مادری یا برادر مادری این است که فرع وارث و اصل مذکر خواه از اصحاب فروض یا از عصبات وجود نداشته باشد.

دلیل ارث بردن کلاله امی، آیهی دوازدهم سوره‌ی نساء است. و اجماع کرده‌اند بر این که مراد از اخ و اخت در آیه، خواهر و برادر امی است. (عبدالله: احکام الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ۱۶۵)

مالکیه و شافعیه عقیده دارند اگر میتی دارای مادر و زوج و چند کلاله امی و ابوینی باشد،  $\frac{1}{6}$  به مادر و نصف به زوج و  $\frac{1}{3}$  به کلاله امی و ابوینی می‌رسد که به روش لذکر مثل حظ الانثیین تقسیم می‌کنند. این مساله به مساله‌ی مشترکه مشهور است.

اما حنیفه و حنابله در این مساله  $\frac{1}{6}$  به مادر و  $\frac{1}{3}$  به زوج و  $\frac{1}{3}$  را فقط به کلاله امی می‌دهند و کلاله ابوینی چیزی نمی‌رسد زیرا عصبه هستند و به عصبه زمانی ارث می‌رسد که بعد از دادن سهم صاحبان فروض چیزی باقی بماند. (مغنیه: الفقه علی المذاهب الخمسه، ۵۳۹)

## اجتماع جد و جده با خواهر ابوینی یا ابی در مذاهب خمسّه

### عقیده‌ی امامیه

امامیه عقیده دارند که جد و جده، مانع ارث بردن خواهر و برادر ابوینی نیستند بنابراین اگر یک خواهر و یا دو خواهر و بیشتر ابوینی یا ابی با جد یا جده و یا یکی از آن‌ها اجتماع کنند جد را مانند یک برادر به حساب می‌آورند و جده را مانند یک خواهر

و ترکه را به طریق للذکر مثل حظ الانثیین با هم تقسیم می‌کنند. (محقق حلی: شرایع الاسلام، ۸۲۸)

### عقیده‌ی اهل سنت در مورد اجتماع جد و جده با خواهر ابوینی یا ابی

در مورد این‌که آیا جد حاجب خواهران ابوینی و ابی است، مذاهب اربعه اختلاف دارند و مذاهب مختلفی به وجود آمده است که به بحث در مورد آن‌ها می‌پردازیم:

**مذهب اول** (ابوحنیفه) اخوه و اخوات ابوینی یا ابی (بنی الاعیان و بنی العلات) با وجود جد ارث نمی‌برند همان‌طور که اگر پدر متوفی زنده بود ارث نمی‌برند، یعنی جد حاجب آن‌ها است. ابوحنیفه از بعضی صحابه پیروی کرده و گفته است، اخوه و اخوات اعم از امی و ابی و ابوینی با وجود فرع وارث مذکر و پدر و جد ارث نمی‌برند و محجوب می‌شوند. (البردیسی: المیراث و الوصیه فی الاسلام، ۵۶)

و این‌طور استدلال کردند که جد در حکم پدر است و در زمان فوت پدر جانشین پدر می‌شود، بنابراین وقتی جد، جای پدر را می‌گیرد اولی از اخوه و اخوات است زیرا وقتی پدر، مقدم بر اخوه و اخوات باشد جانشین او نیز مقدم بر آن‌ها می‌شود.

هم‌چنین قاعده کلی این است که جهت ابوت بر جهت اخوت مقدم باشد زیرا جهت ابوت اصل است اما جهت اخوت حاشیه است، بنابراین اصل بر حاشیه مقدم است و نیز گفته‌اند، پسر پسر حکم پسر را دارد در نتیجه حاجب خواهر و برادرهای ابوینی و ابی است. بنابراین همان‌طور که پسر پسر حکم پسر را داشت و حاجب خواهر و برادرهای ابوینی و ابی شد، جد هم چون در حکم پدر قرار دارد، پس حاجب اخوه و اخوات، مطلقاً می‌باشد.

**مذهب دوم** که سه مذهب حنبلیه و شافعیه و مالکیه و دو شاگرد ابوحنیفه از آن پیروی کرده‌اند.

این مذهب جد را حاجب اخوه و اخوات ابوینی و ابی نمی‌داند، بلکه معتقد است جد، میراث را با آن‌ها تقسیم می‌کنند. (وهبه الزحیلی: الفقه الاسلامی و ادلته، ۲۰۱)

دلیل آن‌ها این است که:

۱- میراث اخوه و اخوات ابوینی و ابی در قرآن ذکر شده است. بنابراین این‌ها محجوب نمی‌شوند، مگر این‌که نص یا اجماع بر محجوب بودن آن‌ها داشته باشیم، در صورتی که ما چنین نص و اجماعی نداریم.

۲- جد و اخوه و اخوات هم‌طراز هستند زیرا جد با یک واسطه به میت می‌رسد و اخوه و اخوات نیز با یک واسطه به میت می‌رسند پس از نظر سبب استحقاق و قوه قرابت یکسان هستند و قرابت جد ارجح از آن‌ها نیست و هر دو به وسیله‌ی پدر به میت متصل می‌شوند، بنابراین هیچ کدام دیگری را محجوب نمی‌کنند زیرا هیچ یک بر دیگری برتری ندارند. (ابوزهرة: احکام التركات و الموارث، ۱۵۹)

به هر حال کسانی که معتقدند جد همراه خواهران ابوینی یا ابی ارث می‌برد در کیفیت تقسیم ترکه با هم اختلاف دارند و بر طبق عقیده‌ی اهل سنت در این مورد سه مذهب وجود دارد.

#### ۱- مذهب حضرت علی (ع)

بر طبق این مذهب خواهر فرض خود را می‌برد یعنی اگر یک خواهر باشد  $\frac{1}{4}$  و اگر

دو و یا بیشتر باشند  $\frac{2}{3}$  و جد نیز فرض  $\frac{1}{6}$  دارد و نباید جد سهمش از  $\frac{1}{6}$  کمتر شود

دلیل آن‌ها بر این حرف این است که اگر میت، دارای جد و پسر باشد در این‌جا به جد

$\frac{1}{6}$  ارث می‌رسد. حال که جد با اخوه و اخوات همراه است اولی است که به جد  $\frac{1}{6}$

کمتر نرسد، زیرا پسر که به میت نزدیک‌تر بود، ما به جد  $\frac{1}{6}$  ارث دادیم پس اخوه و

اخوات که نسبت به میت دورتر از پسر هستند به جد باید به طریق اولی کمتر از  $\frac{1}{6}$

ارث ندهیم.

جد	دوخواهر ابوینی	یک خواهر ابی	
$\frac{1}{6}$	$\frac{2}{3}$	هیچ	مابقی رد به جد
جد	یک خواهر ابوینی		
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$		مابقی رد به جد چون عصبه است

اهل سنت معتقدند بر طبق مذهب حضرت علی(ع) خواهران ابوینی حاجب خواهران ابی هستند.

### ۲- مذهب ابن مسعود

این مذهب، همانند مذهب حضرت علی(ع) معتقد است که جد حاجب اخوه و اخوات است بلکه هر کدام از آنها فرضشان را می‌برند. ولی این مذهب عقیده دارند که فرض جد  $\frac{1}{3}$  است.

دلیل ابن مسعود این است که وقتی جد با دختران میت همراه باشد، سهم جد  $\frac{1}{3}$  می‌شود پس حالا که با خواهران میت همراه است به طریق اولی باید  $\frac{1}{3}$  ارث ببرد زیرا خواهران نسبت به میت دورترند. (همو، همان، ۶۰-۱۵۹)

جد	یک خواهر ابوینی	
$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{2}$	مابقی رد به جد چون عصبه است
جد	دو خواهر ابوینی	
$\frac{1}{3}$	$\frac{2}{3}$	

### ۳- مذهب زید بن ثابت

در این مذهب نیز جد را حاجب اخوه و اخوات ابوینی و ابی نمی‌دانند ولی فرق عمده‌ی این مذهب با دو مذهب دیگر این است که این مذهب عقیده دارد، جد خواهر و

خواهران را عصبه می‌کند و ترکه را تعصیبا با هم تقسیم می‌کنند. یعنی جد همانند برادر، خواهر را عصبه می‌کند و خواهر دیگر فرض بر نیست، البته به شرطی که سهم جد از  $\frac{1}{3}$  کل در صورتی که فقط با اخوه و اخوات همراه باشد و  $\frac{1}{3}$  باقی یا  $\frac{1}{6}$  کل وقتی که غیر از اخوه و اخوات، فرض برهای دیگر، مثل زوج یا زوجه همراه باشد کمتر نشود.

زید بن ثابت معتقد است، اگر میت دارای جد و خواهران ابوینی و ابی باشد، خواهران ابی در تقسیم ارث حساب می‌شوند ولی چیزی به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد بلکه سهم آن‌ها را به خواهران ابوینی می‌دهند و علت این‌که آن‌ها را در تقسیم حساب می‌کنند این است که سهم جد کمتر شود.

در این مساله، جد خواهران را عصبه می‌کند و مانند یک برادر عمل می‌کند و ترکه را تعصیبا تقسیم می‌کنند یعنی للذکر مثل حظ الانثیین اما خواهر ابی را در تقسیم حساب می‌کنند ولی چیزی به او نمی‌دهند و  $\frac{2}{3}$  را فقط به خواهران ابوینی می‌دهند.

جد صحیح	یک خواهر ابوینی	یک خواهر ابی
$\frac{1}{3}$	$\frac{2}{3}$	هیچ

در این مساله چون جد فقط با اخوات همراه بود سهم جد  $\frac{1}{3}$  از کل ترکه شد اما اگر

زوج یا زوجه در مساله وجود داشتند، سهم جد کمتر از  $\frac{1}{3}$  از کل می‌شود. (همو، همان، ۱-)

(۱۶۰)

در مذهب زید بن ثابت یک استثناء وجود دارد و آن در مساله‌ی اکدریه است که خواهر به فرض ارث می‌برد نه به تعصیب.

### مساله‌ی اکدریه

زید بن ثابت عقیده دارد که جد همانند یک برادر، خواهر یا خواهران را عصبه می‌کند بنابراین دیگر خواهر یا خواهران فرض بر نیستند بلکه با جد به طریق للذکر مثل

حَظَّ الْاِثْنَيْنِ ارث می‌برند مگر یک مورد که خواهر به فرض ارث می‌برند نه به تعصیب و آن در موردی است که میتی دارای یک خواهر ابوینی یا ابی و جد و مادر و زوج باشد. اگر قرار باشد طبق نظر اول زید بن ثابت عمل شود یعنی جد، خواهر را عصبه کند تقسیم ارث به این صورت می‌شود. (الرحیلی: الفقه الاسلامی و ادلته، ۳۰۵)

جد	خواهر ابوینی	مادر	زوج
عصبه شدند	$\frac{1}{6}$ مابقی	$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{2}$

از طرفی زید بن ثابت بر این عقیده بود که سهم جد نباید از  $\frac{1}{6}$  کل در صورتی که همراه با خواهر یا خواهران و دیگر فرض‌ها باشد، کمتر شود و همان‌طور که مشاهده می‌شود در این مساله بعد از دادن سهم زوج و مادر  $\frac{1}{6}$  باقی ماند و این ظهور در این دارد که جد باعث محرومیت خواهر شد در صورتی که مستوفی وجود ندارد که جد باعث محرومیت خواهر شود.

زید بن ثابت برای رفع این مشکل این‌طور گفته است که ما به خواهر ابوینی یا ابی، فرضش را می‌دهیم و به جد هم فرضش را که  $\frac{1}{6}$  از کل است، می‌دهیم.

جد	خواهر ابوینی	مادر	زوج
$\frac{1}{6} = \frac{3+2+3+1}{6} = \frac{9}{6}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{2}$

در این مساله عول پیش می‌آید و بنابر عقیده‌ی اهل سنت نقص بر همه صاحبان فرض وارد می‌شود اما به هر حال خواهر سهمی از ارث خواهد برد. زید بن ثابت می‌گوید سهم جد و خواهر را با هم جمع و بعد تعصیباً بین آن‌ها تقسیم می‌کنیم یعنی به طریق للذکر مثل حظ الاثنیین.

	جد	خواهر ابوینی	مادر	زوج	
	$\frac{1}{9}$	$\frac{2}{9}$	$\frac{2}{9}$	$\frac{3}{9}$	از فریضه ۹
		$\frac{4}{9}$			
	۸	۴	۶	۹	از فریضه ۲۷

همان‌طور که مشاهده می‌شود سهم جد و خواهر ۴ می‌شود و نمی‌شود ۴ را به سه قسمت تقسیم کرد، بنابراین سهام را سه برابر می‌کنیم که جمع بین سهم جد و خواهر ۱۲ می‌شود که به طریق للذکر مثل الاثیین با هم تقسیم می‌کنند، یعنی سهم جد ۸ و سهم جد و خواهر ۴ می‌شود در این روش تلفیقی از فرض و تعصیب درست شد. (همو، همان، ۵-۳۰۴)

عقیده‌ی امامیه در مورد اخیر، این است که تا زمانی که از طبقه‌ی اول یک نفر باقی باشد، نوبت به طبقه‌ی دوم نمی‌رسد، بنابراین تا زمانی که مادر وجود دارد، دیگر نوبت به جد و خواهر نمی‌رسد. (جبل عامل: شهید ثانی: الروضه البهیة، دوره‌ی سه جلدی، ۳/۱۸۰)

### میراث دختر یا دختران پسر در مذاهب خمسسه

#### عقیده‌ی امامیه

امامیه بعد از رد قول اهل سنت مبنی بر این که دختر پسر صاحب فرض باشد، بر این اعتقادند که دختر پسر در صورت نبودن اولاد صلبی برای میت، سهم پدرش را از میراث می‌برد، همان‌طور که فرزند دختر میت در صورت نبودن اولاد صلبی، سهم مادرش را می‌برد. (مغنیه: الفقه علی المذاهب الخمسه، ۵۴۴)



### عقیده‌ی اهل سنت در مورد میراث دختر یا دختران پسر

منظور از دختر پسر، هر دختری است که انتساب دارد به مرد یا زن فوت شده به واسطه‌ی پسر و هر درجه‌اش از جهت پدرش پایین رود مثل پسر پسر یا پسر پسر پسر یا... .

دختر پسر جانشین دختر میت است زمانی که مطلقاً اولادی برای میت نباشد، یعنی میت نه دختر و نه پسر داشته باشد. اهل سنت برای دختر یا دختران پسر به همراه یک دختر صلبی فرض  $\frac{1}{6}$  را از باب تکلمه للثلثین قرار داده‌اند و استدلالی است که در مورد یک خواهر ابوینی با یک خواهر ابی آورده‌اند. (عبدالله: احکام الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ۱۵۵؛ الزحیلی: الفقه الاسلامی و ادلته، ۳۱۵؛ ابوزهرة: احکام التركات و الموارث، ۲۳۳؛ البردیسى: الميراث و الوصیه فی الاسلام، ۴۸)

### دختر پسر از نظر ارث بردن پنج حالت دارد:

۱- دختر پسر تنها باشد و میت اولادی به جز او نداشته باشد که در صورت سهم

دختر پسر  $\frac{1}{6}$  می‌شود، برای نمونه شخصی فوت کرده وراث او عبارتند از:

مادر	پدر	دختر پسر
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{3}$

مابقی که  $\frac{1}{6}$  می‌باشد به پدر می‌رسد چون عصبه است.

۲- میت دارای چند دختر پسر باشد و اولادی به جز آن‌ها نداشته باشد و کسی که این دختران پسر را عصبه کند با آن‌ها نباشد. مانند پسر پسر، که در این صورت فرض آن‌ها  $\frac{2}{3}$  می‌شود.

	پدر	سه دختر پسر
	$\frac{1}{6}$	$\frac{2}{3}$
فرضا $\frac{1}{6}$ تعصیبا		

۳- اگر با دختر پسر، و در درجه او ولد مذکری باشد، یعنی پسر پسر در این صورت دختر پسر به وسیله‌ی پسر پسر عصبه بالغیر می‌شود و مابقی ترکه را تعصیبا با هم تقسیم می‌کنند.

پدر	پسر پسر	دختر پسر
$\frac{1}{6}$		مابقی تعصبا

۴- اگر دختر پسر یا دختران پسر همراه با یک دختر صلبی باشد، برای دختر یا دختران پسر، فرض  $\frac{1}{3}$  از باب تکلمه للثلثین می‌شود.

استدلال اهل سنت بر این مطلب، این است که شارع مقدس سهم دو دختر یا بیشتر را  $\frac{2}{3}$  و سهم یک دختر صلبی را  $\frac{1}{3}$  تعیین کرده است.

از طرفی اهل سنت معتقدند کسی که یک دختر صلبی دارد و یک یا چند دختر پسر، صادق است که گفته شود این شخص دارای چند دختر است بنا بر فرض  $\frac{2}{3}$  برای

آنان می‌باشد، از طرف دیگر فرض یک دختر صلبی نیز در قرآن  $\frac{1}{3}$  مشخص شده است.

بنابراین  $\frac{1}{3}$  را از  $\frac{2}{3}$  کم می‌کنیم، باقی‌مانده  $\frac{1}{6}$  می‌شود که فرض دختر یا دختران پسر می‌شود از باب تکلمه للثلثین.

البته به شرطی که با این دختر پسر یا دختران پسر معصبی نباشد مانند پسر پسر که در این صورت این پسر پسر را عصبه بالغیر می‌کند و باقی‌مانده‌ی ترکه را تعصیبا با هم تقسیم می‌کنند.

پدر	دختر صلبی	دختر پسر	پسر پسر
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{3}$		عصبه بالغیر $\frac{1}{3}$ مابقی را تعصبا تقسیم می‌کنند.

پدر	دختر صلبی	دختر پسر
$\frac{1}{6}$ فرضا و $\frac{1}{6}$ تعصیبا	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$

تکمله للثلثین

$\frac{1}{6}$  مابقی به پدر می‌رسد چون عصبه است

پدر	دختر صلبی ۲	دختر پسر	پسر پسر
$\frac{1}{6}$	$\frac{2}{3}$		عصبه بالغیر

( $\frac{1}{6}$  مابقی را تعصیبا تقسیم می‌کنند)

به این برادر، برادر مبارک می‌گویند. زیرا باعث شد که خواهرش از ارث سهمی ببرد زیرا اگر این برادر نبود به دختر پسر چیزی تعلق نمی‌گرفت. به خاطر این که دو دختر صلبی کل  $\frac{1}{6}$  را از آن خود کرده‌اند و دیگر تکمله للثلثین درست نمی‌شود.

پدر	مادر	زوج	دختر	دختر پسر	پسر پسر
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$		عصبه بالغیر، هیچ
					زیرا چیزی باقی نماند

به این برادر، برادر نامبارک می‌گویند زیرا باعث شد، که خواهرش از ارث بردن محروم شود چون اگر پسر پسر (برادر) نبود دختر پسر به همراه دختر صلبی از باب للثلثین  $\frac{1}{6}$  ارث می‌برد.

پدر	مادر	زوج	دختر	دختر پسر
$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$

تکمله للثلثین

$$\frac{2}{3}$$

در این مساله، عول پیش می‌آید و نقص بر تمام صاحبان فرض وارد می‌شود اما سرانجام به این دختر پسر سهمی از ارث می‌رسد یعنی  $\frac{1}{6}$  دختر پسر،  $\frac{1}{9}$  می‌شود و بالاخره از ارث بی نصیب نماند.

پسر پسر پسر، دختر پسر را که در صورتی که نیاز به عصبه شدن داشته باشد عصبه می‌کند.

پسر پسر پسر	دختر پسر	۲ دختر صلبی
	عصبه بالغیر	$\frac{2}{3}$
	$\frac{1}{3}$ مابقی	

در این جا چون دو دختر صلبی وجود دارد و کل  $\frac{2}{3}$  را از آن خود کردند، پس تکمله للثلاثین درست نمی‌شود. بنابراین به دو دختر پسر از باب تکمله للثلاثین چیزی تعلق نمی‌گیرد، بنابراین نیاز به عصبه شدن دارد که این پسر پسر او را عصبه بالغیر کرد و مابقی ترکه را از آن خود کردند که تعصیبا با هم تقسیم می‌کنند. در این مثال دختر پسر نیازی به عصبه شدن ندارند.

پسر پسر پسر	دختر پسر	دختر صلبی
عصبه بالنفس	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$
	تکمله للثلاثین	
$\frac{1}{3}$ مابقی	$\frac{2}{3}$	

دلیل اهل سنت بر این مطلب که دختر پسر صاحب فرض  $\frac{1}{6}$  می‌باشد عبارت است از:

۱- نصوص و روایت‌هایی که دلالت دارند بر احکام ارث دختر به این مطلب اشاره دارند و گفته‌اند، مراد از اولاد کم در قرآن «یوصیکم فی اولادکم» فروع فرزندان شما است، خواه بالمباشره یا به واسطه یعنی منظور از اولاد، هم اولاد بی واسطه است از

دختر و پسر، هم اولاد با واسطه، البته فقط با واسطه مذکر یعنی فقط اولاد پسر یا اولاد پسر پسر.  
اما اهل سنت اولاد دختر را از ذوی الارحام می‌دانند و به آن‌ها ارثی نمی‌دهند و آن‌ها را اولاد نمی‌دانند.

۳- ابن مسعود این‌طور قضاوت کرد که  $\frac{1}{6}$  را از باب تکمله للثلثین باید به دختر پسر داد. این مطلب را تمام صحاح سته روایت کرده‌اند الا نسائی و از هزیل بن شرحبیل نقل شده که ابن مسعود این‌طور قضاوت کرد و  $\frac{1}{6}$  را به دختر پسر داد از باب تکمله للثلثین و گفت من همانند پیامبر (ص) قضاوت کردم. (الرحیلى: الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۷-۳۱۶)

## میراث عمه و خاله در مذاهب خمسہ

### نظریه‌ی امامیه

عمه از طبقه‌ی سوم که این طبقه از آیه اولی الارحام گرفته شده اما نامی از آنها در قرآن نیامده است اما روایت‌های صحیح در این مورد داریم و بقیه‌ی احکام آنها با استنباط به دست آمده است.  
عمه زمانی ارث می‌برد که از طبقه‌ی اول و دوم کسی نباشد یعنی متوفی دارای والدین و اولاد و نوه‌ها و برادر و خواهر و فرزندان آنها و جد و جده‌ها نباشد در این صورت اگر عمه تنها باشد تمام دارایی را به ارث می‌برد و اگر دو یا چند عمه باشند، ترکه را بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند.  
اگر عمه همراه با برادرش یعنی عمو باشد و از نظر ارتباط با متوفی مثل هم باشند، به عنوان مثال هر دو عمه یا عموی پدری باشند یا هر دو عمه یا عموی پدر و مادری باشند، سهم عمه نصف سهم عمو می‌شود یعنی ترکه را للذکر مثل حظ الانثیین تقسیم می‌کنند.

سهام یک عمه مادری،  $\frac{1}{6}$  و سهم چند عمه مادری  $\frac{1}{3}$  است که بالسویه با هم تقسیم می‌کنند. اگر در همین حالت با عمه مادری، عموی مادری هم باشد، باز هم  $\frac{1}{3}$  را بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند.

اگر چند عمه باشند که بعضی از آنها مادری و بعضی از آنها پدری و بعضی پدر و مادری باشند، عمه پدری از ارث محروم است زیرا عمه پدر و مادری حاجب او می‌شود. (حسینی عاملی: مفتاح الکرامه، ۳-۸/۱۶۱؛ نجفی: جواهر کلام، ۴/۱۷۴-۳۹؛ جبل عامل، (شهید ثانی): الروضه البهیة، دوره‌ی سه جلدی، ۲۱۹ و ۳/۲۱۰)

### نظریه‌ی امامیه در مورد میراث خاله

اگر متوفی تنها یک خاله داشته باشد، تمام اموال متوفی را به ارث می‌برد و اگر دارای چند خاله باشد در صورتی که از یک جنس باشند (یعنی همه پدری یا همه مادری باشند) کل ترکه را به طور مساوی با هم تقسیم می‌کنند. اما اگر خاله‌ها در نسبتشان با متوفی مختلف باشند یعنی متوفی، دارای خاله‌ی پدری و خاله‌ی مادری و خاله‌ی پدری و مادری باشد در این صورت خاله‌ی پدری از ارث محروم می‌شود به خاطر این‌که خاله‌ی پدر و مادری حاجب آنها می‌شود حال اگر متوفی دارای یک خاله مادری باشد، یک ششم از ترکه از آن اوست و اگر دو و یا بیشتر خاله مادری داشته باشد،  $\frac{1}{3}$  ترکه به آنها می‌رسد که بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند و باقی‌مانده ترکه به خاله‌های پدری و مادری می‌رسد که به طور مساوی بین خود تقسیم می‌کنند. (همو، همان، ۳/۲۱۰)

### نظریه‌ی امامیه در مورد اجتماع عمه و خاله

هرگاه خاله‌ها و عمه‌ها از وراث می‌تنی باشند،  $\frac{1}{3}$  از ترکه از آن خاله یا خاله‌های متوفی می‌شود مطلقا (یعنی مادری یا پدری یا پدری و مادری) و  $\frac{2}{3}$  باقی‌مانده از آن عمه یا عمه‌های متوفی می‌شود.

در نحوه‌ی تقسیم  $\frac{1}{3}$  از کل ترکه بین خاله و خاله‌ها، بدین صورت است که، اگر یک خاله مادری باشد،  $\frac{1}{6}$  از این  $\frac{1}{3}$  کل ترکه به او می‌رسد و اگر دو خاله مادری باشند،  $\frac{1}{3}$  از  $\frac{1}{3}$  کل ترکه به آن‌ها می‌رسد که به طور مساوی بین آن‌ها تقسیم می‌شود و بقیه  $\frac{1}{3}$  به خاله‌ها ابوینی می‌رسد و اگر متوفی یک خاله ابوینی داشته باشد کل  $\frac{1}{3}$  از آن او می‌شود.

در نحوه‌ی تقسیم  $\frac{2}{3}$  بین عمه یا عمه‌ها به این صورت است که اگر در ارتباطشان با متوفی یکسان هستند،  $\frac{2}{3}$  را به طور مساوی با هم تقسیم می‌کنند و یا اگر متوفی یک عمه‌ی ابوینی دارد، کل  $\frac{2}{3}$  از آن او می‌شود اما اگر متوفی دارای چند عمه باشد که در ارتباطشان با او مختلف هستند به یک عمه مادری  $\frac{1}{6}$  از  $\frac{2}{3}$  می‌رسد و اگر چند عمه مادری باشند  $\frac{1}{3}$  از  $\frac{2}{3}$  به آن‌ها می‌رسد که بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند و باقی‌مانده  $\frac{2}{3}$  از آن عمه یا عمه‌های ابوینی می‌شود که بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند. (همو، همان، ۱۱-۱۰/۳۲۱)

در این مورد اخبار فراوانی وجود دارد یکی از آن‌ها صحیحه ابی بصیر از امام صادق(ع) است که در آن آمده است که در کتاب حضرت علی(ع) آمده بود: مردی فوت کرده است و عمه و خاله‌ای دارد امام(ع) فرمودند: عمه  $\frac{2}{3}$  و خاله  $\frac{1}{3}$  ارث می‌برد و نیز امام(ع) فرمودند: عمه به منزله‌ی پدر و خاله به منزله‌ی مادر و دختر برادر به منزله برادر و هر خویش به منزله‌ی کسی است که به وسیله‌ی او به متوفی می‌رسد مگر این‌که وارثی نزدیک‌تر از او به متوفی وجود داشته باشد که او را حجب کند. (همو، همان، ۳/۲۱۱)

### نظر اهل سنت در مورد میراث عمه و خاله

اهل سنت عمه و خاله را از ذوی الارحام می‌دانند و در مورد ارث بردن آن‌ها با هم اختلاف دارند، که در این زمینه دو عقیده وجود دارد:

**اول** مذهب زید بن ثابت بر این عقیده است که ذوی الارحام هیچ ارثی نمی‌برند و ترکه میت هنگام نبودن صاحب فرض و عصبه به بیت‌المال می‌رسد. (ابوزهره: احکام التركات و الموارث، ۲۰۵)

شافعیه و مالکیه مذهب زید بن ثابت را اختیار کردند یعنی آن‌ها به ذوی الارحام چیزی از ارث نمی‌دهند به دلیل این که در مورد میراث آن‌ها نه در قرآن و نه در سنت، سخنی به میان نیامده است.

شافعیه و مالکیه در این مورد حدیثی از پیامبر (ص) نقل کردند که از ایشان در مورد میراث عمه و خاله سوال شد، ایشان فرمودند که جبرئیل به من خبر داد، سهمی برای آن‌ها از میراث نیست.

بنابراین آن‌ها معتقدند که بعد از دادن سهم صاحبان فرض اگر عصبه باشد، باقی‌مانده به عصبه می‌رسد اما اگر عصبه‌ای نبود باقی‌مانده نه به صاحبان فرض رد می‌شود و نه به ذوی الارحام می‌رسد بلکه باقی‌مانده به بیت‌المال تعلق می‌گیرد.

البته آن‌ها اعتقاد دارند که اگر نظام بیت‌المال فاسد بود ذوی الارحام بدل از بیت‌المال باقی‌مانده ترکه را اخذ می‌کنند و شافعیه تصریح کرده است که ذوی الارحام از باب رعایت مصلحت باقی‌مانده ترکه را صاحب می‌شوند نه از باب ارث بردن نیاز به نص یا حمل بر نص دارد که در مورد ذوی الارحام چنین چیزی نداریم. (همو، همان، ۲۱۹ و ۲۱۸)

**دوم** مذهب حضرت علی(ع) و ابن مسعود و ابن عباس که اعتقاد دارند بعد از عصبات و رد بر صاحبان فروض، ذوی الارحام نیز از ارث بهره‌مند می‌شوند. حنفیه و حنابله از این مذهب پیروی کردند یعنی عقیده دارند که در صورت نبودن صاحبان فروض و عصبات نسبیه و سببیه نوبت به ذوی الارحام می‌رسد و استدلال کرده‌اند که:

۱- در قرآن کریم آمده، «و اولو الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله»، کلمه‌ی

اولوالارحام کلمه‌ای است که شامل جمیع اقارب می‌شود خواه از عصبات باشد یا



ذوی‌السهم یا غیر از این دو، و ذوی‌الارحام دارای اولویت هستند نسبت به بیت‌المال زیرا قرآن کریم از آن‌ها نام برده است.

هم‌چنین در آیه دیگری که آمده است «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ» (سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷) بدون شک ذوی‌الارحام از اقارب هستند.

۲- خلیفه دوم تمام ترکه را به دایی متوفایی داد که او وارث دیگری غیر از آن دایی نداشت و خلیفه‌ی دوم استناد کرد به حکم پیامبر(ص) فرمودند خداوند و رسولش مولای کسی است که هیچ مولایی ندارد و دایی و خاله وارث کسی است که هیچ وارثی غیر از او ندارد.

۳- اقارب و خویشاوندانی مانند عمه و خاله و دایی احق و اولی از جماعت مسلمانان هستند زیرا قرابت، مَرَجَح است. (عبدالله: احکام الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ۲۶۸ و ۲۶۶؛ ابوزهره: احکام التَرَکات و الموارث، ۲۱۷)

قائلین به ارث بردن ذوی‌الارحام در نحوه‌ی تقسیم با هم اختلاف دارند که در این مورد سه مذهب به وجود آمده است:

### الف) مذهب اهل الرحم

این مذهب اعتقاد دارد که ذوی‌الارحام در ارث بردن بین مذکر و مؤنشان هیچ فرقی نیست و آن‌ها به طور مساوی ترکه را با هم تقسیم می‌کنند و قرب و بعد درجه و قوت و ضعف قرابت ملاک نیست زیرا آن‌ها در سبب ارث بردن که همان قرابه الرحم است مساوی هستند.

بنابراین اگر متوفایی دارای یک عمه و یک خاله باشد، آن‌ها ترکه را بالسویه بین خود تقسیم می‌کنند. (همان‌جا)

### ب) مذهب اهل التنزیل

در این مذهب، ذوی‌الارحام جانشین کسی می‌شوند که به وسیله‌ی او با میت در ارتباط هستند، خواه آن واسطه از اصحاب فروض باشد یا از عصبات نسبی، بنابراین ذوی‌الارحام نصیب کسی را می‌گیرند که به وسیله‌ی او با میت ارتباط دارند. بنابراین اگر

متوفی، دارای یک عمه و یک خاله باشد، عمه، نصیب پدر را می‌گیرد که  $\frac{2}{3}$  است و خاله، نصیب مادر را می‌گیرد که  $\frac{1}{3}$  است. پیروان این مذهب، امام احمد حنبل و متاخرین از مالکیه و شافعیه (البته در صورت عدم انتظام بیت‌المال) هستند.

اساس اعتقاد این مذهب، سخن پیامبر (ص) است که فرمودند: (ابوزهره: احکام التَرَکات و الموارث، ۲۲۲) اگر متوفایی وارثی جز عمه و خاله نداشته باشد، نصیب عمه  $\frac{2}{3}$  و نصیب خاله  $\frac{1}{3}$  می‌شود زیرا عمه به وسیله‌ی پدر و خاله به وسیله‌ی مادر با میت ارتباط پیدا می‌کند. (همو، همان، ۲۲۱؛ عبدالله: احکام الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ۲۶۹)

### ج) مذهب اهل القرايه

در این مذهب، طریقه ارث بردن ذوی‌الارحام مانند ارث بردن عصبات است یعنی همان‌طور که در عصبات، هر عصبه‌ای که به میت نزدیک‌تر بود، مابقی ترکه را به ارث می‌برد در این مذهب هم، هر کدام از ذوی‌الارحام که از نظر درجه و قوه قرابت به میت نزدیک‌تر هستند، ارث را به طریق للذکر مثل حظ الانثیین تقسیم می‌کنند. (ابوزهره، احکام التَرَکات و الموارث، ۲۲۲)

## فہرست منابع و ماخذ:

- \* قرآن کریم
- ۱- ابوزہرہ، محمد: احکام التَرَکات و الموارِث، موسسہ دارالفکر العربی، قاہرہ، تاریخ المقدمہ ۱۳۸۳ هـ.ق.
  - ۲- البردیسسی، محمد زکریا: المیراث و الوصیہ فی الاسلام، الدار القومیہ للطباعہ و النشر، قاہرہ، ۱۳۸۴ هـ.ق، ۱۹۶۴ م.
  - ۳- جیل عاملی، زین الدین (شہید ثانی): الروضہ البہیہ فی شرح اللعۃ الدمشقیہ، انتشارات جامعہ ی دینی نجف، چاپ جدید، دورہ ی دە جلدی، بی تا.
  - ۴- ..... : چاپ موسسہ ی مطبوعاتی اسماعیلیان، ایران، قم، دورہ ی سه جلدی، بی تا.
  - ۵- حسینی عاملی، سید محمد جواد: مفتاح الکرامہ فی شرح قواعد العلامہ، دارا حیاء التراث العربی، ۱۳۲۶ هـ.ق.
  - ۶- حلی (محقق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، انتشارات اعلمی، تہران، بی تا.
  - ۷- الزحیلی، وہبہ، الفقہ الاسلامی و ادلتہ، دارالفکر، بیروت- دمشق، ۱۴۲۸ هـ.ق.
  - ۸- سرخسی، شمس الدین، المسبوط، دارالدعویہ، استانبول، ۱۹۸۲ م، (افست).
  - ۹- عبداللہ، عمر، احکام الموارِث فی الشریعہ الاسلامیہ، دارالمعارف بمصر، الطبعة الرابعہ مزیدہ و منقحہ [قاہرہ]، ۱۳۸۵ هـ.ق.
  - ۱۰- مغنیہ، محمدجواد، الفقہ علی المذاهب الخمسہ، بیروت، بی تا، چاپ ہفتم ۱۴۰۲.
  - ۱۱- مہرپور، حسین، بررسی میراث زوجہ در حقوق اسلام و ایران (تحلیلی فقہی و حقوقی ارث زن از داریی شوہر)، انتشارات اطلاعات تہران، چاپ اول، ۱۳۶۸.
  - ۱۲- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تحقیق و تصحیح محمود القوجانی دارالاحیاء لثراث العربی، بیروت- لبنان، چاپ ہفتم، بی تا.